

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره

تاریخ: ۹ آبان ۱۴۰۲

مصادف با: ۱۵ ربیع الثانی ۱۴۴۵

موضوع جزئی: آیه ۵۱ و ۵۲ - بخش‌های دو آیه - بخش سوم: «وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ» -

جلسه: ۸

بخش چهارم: «ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ» - مطلب اول - مطلب دوم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعين

بخش سوم: «وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ».

بخش سوم از پنج بخشی که در آیات مورد بحث لازم است به آن پرداخته شود، این فقره از آیه ۵۱ است: «وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ». آیه این بود: «وَإِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ». «وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ» در واقع حال برای ضمیر «اتخذتم» است و معنای آن این است که شما گوساله را به عنوان اله و معبود اتخاذ کردید، در حالی که شما ظالم هستید.

مسأله مهم این است که چرا خداوند تبارک و تعالی به خاطر این رفتار، آنها را با وصف ظالم مورد خطاب قرار می‌دهد؛ اینکه علی‌رغم آن نعمت‌هایی که خداوند تبارک و تعالی به بنی‌اسرائیل ارزانی کرده بود، اینها رو به گوساله پرستی و شرک آوردند، به عنوان ظالم محسوب می‌شوند. وجه اطلاق عنوان ظالم به بنی‌اسرائیل اینجا چیست؟ اینجا وجوهی را ذکر کرده‌اند:

۱. برخی گفته‌اند ظلم در اصل لغت به معنای نقص است؛ در بعضی از آیات هم به همین معنا آمده است: «كَلَّمْنَا الْجِنَّتَيْنِ آتَتْ أُكُلَهَا وَلَمْ تَظْلِمْ مِنْهُ شَيْئًا». لذا به دلیل کاری که بنی‌اسرائیل کردند و یک نوع نقصی در خودشان ایجاد کردند، عنوان ظالم به آنها اطلاق شده است؛ آنها عبادت و پرستش خداوند را رها کردند و مشغول به عبادت گوساله شدند؛ لذا «صاروا ناقصين في خيرات الدين و الدنيا»، به دلیل اینکه از خیرات دین و دنیا محروم شدند و خود را ناقص کردند، خداوند عنوان ظالم بر اینها اطلاق کرده و فرموده «انتم ظالمون».

۲. وجه دیگری که اکثراً آن را پذیرفته‌اند و چه‌بسا بهتر از این وجه باشد و نزدیک‌تر به معنای متعارف ظلم، اینکه ظلم در عرف شرع عبارت است از ضرر محض؛ ضرری که هیچ نفعی در کنار آن وجود نداشته باشد. اینجا هم کاری که بنی‌اسرائیل کردند ضرر محض بود، هم در دنیا و هم در آخرت؛ اینکه راه بت‌پرستی را انتخاب کردند و راه شرک را برگزیدند؛ پس در دنیا یک ضرر بزرگی برای خودشان ایجاد کردند که استحقاق محرومیت از نعمت‌های خداوند را برای خودشان فراهم کردند. بله، به ظاهر نفع و لذت برای آنها متصور بود، اما فی‌الواقع این استحقاق محرومیت را در خودشان ایجاد کردند. به علاوه، کار آنها منجر به عذاب و عقاب در آخرت می‌شود؛ اینکه خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید «إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ»، به همین جهت است که بزرگترین ظلم، شرک است؛ کافران و مشرکان بزرگترین

ظالمان هستند.

ظلم گاهی نسبت به خداوند است و گاهی نسبت به نفس است و گاهی نسبت به دیگران. مشرکان هم به خدا و هم به خودشان ظلم کرده‌اند و البته کسی که به خداوند و به خویشتن ظلم کند، به راحتی به دیگران هم تعددی می‌کند و خود به خود به دنبال ظلم به خداوند و ظلم به خویش، ظلم به دیگران هم خواهد آمد. لذا مشرکان ظالم محسوب می‌شوند در همه ابعاد، نه فقط به خودشان. لذا می‌توانیم بگوییم ظلم با ابعاد سه‌گانه‌اش در مورد بنی‌اسرائیل تحقق پیدا کرده است. مشرک شدن آنها، ظلم به خداوند بود؛ در برابر مولای منعم و خالق منعم وقتی ناسپاسی کنند و نافرمانی کنند، بدون تردید این ظلم به خداوند است. ظلم به خودشان محسوب می‌شود، به جهت اینکه خودشان را در زمره مستحقین عذاب الیم و خلود در نار قرار داده‌اند؛ ظلم به دیگران هم بود، به دلیل اینکه کسی با آن همه نعمت نسبت به خودش و خداوند ظالم باشد، اثر وضعی این ظلم، ظلم به دیگران هم هست. کسی که خدا را منکر باشد یا برای خدا شریک قائل باشد، دیگر حقوقی برای انسان‌های دیگر قائل نیست و به حقوق آنها تعدی و تجاوز می‌کند، و ظلم در حق دیگران برای او بسیار آسان‌تر و ساده‌تر می‌شود. برای همین است که شما می‌بینید در آیات بعدی در همین سوره، خداوند متعال می‌فرماید اینها به جان یکدیگر افتادند و به قتل یکدیگر مبادرت کردند، که این هم خودش ظلم به دیگران است.

پس «وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ» در واقع می‌خواهد بفرماید شما ظالم هستید، چون بعد از آن همه نعمت و بعد از آن همه معجزه، رو به شرک آوردید و کسی که مشرک باشد، ظالم است و شما ظالم هستید به ابعاده الثلاثه، به هر سه بعد، هم ظلم به خداوند، هم ظلم به خودتان و هم ظلم به دیگران. اینکه شرک به عنوان ظلم عظیم نامبرده شده، این بهترین شاهد بر این است که اطلاق ظالم بر بنی‌اسرائیل کاملاً صحیح بوده است.

البته این بخش بحث‌های دیگری دارد که اینجا خیلی لزومی ندارد به آنها بپردازیم؛ اینکه مثلاً معتزله با استناد به این فقره از آیه ۵۱ ادعا کرده‌اند که معاصی مخلوق خداوند نیست، چون می‌گوید «أَنْتُمْ ظَالِمُونَ»، شما معصیت کردید و خودتان ظالم هستید. وجوهی را هم ذکر کرده‌اند که به چه دلیل «وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ» دلالت می‌کند بر اینکه معصیت مخلوق خدا نیست، پاسخ‌هایی داده‌اند که خیلی به این بحث مرتبط نیست.

بخش چهارم: «ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ».

خداوند تبارک و تعالی در صدر آیه ۵۲ می‌فرماید: ما بعد از آن همه نعمت و روی آوردن شما به شرک و ظلمی که به خودتان و به خدا و به دیگران کردید، شما را عفو کردیم و بخشیدیم، از شما در گذشتیم. با اینکه این کار را کرده بودید، اما باز از شما گذشتیم و شما را عفو کردیم.

مطلب اول

اما آیا عفو خداوند شامل همه بنی‌اسرائیل حتی سامری و گردانندگان آن ماجرا شده یا فقط مردم و آنهایی که فریب خوردند؟ آنچه از ادله برمی‌آید، این است که این عفو شامل سامری و همدستان سامری نشد؛ منتهی چون بنی‌اسرائیل و

قابطه مردم فریب خورده بودند و از روی جهل و نادانی گرفتار آن ماجرا شده بودند، به صورت کلی فرموده «ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ»، این عفو شامل قابطه مردم و توده‌های مردم شد؛ اما سردمداران این داستان و از جمله سامری، اینها مشمول عفو قرار نگرفتند و همه جا این چنین است. یعنی در هر جایی که کسانی سردمدار شرک و بت‌پرستی و ظلم و بانیان این امر باشند، مورد عفو قرار نمی‌گیرند. شاهد بر اینکه سامری و سردمداران مشمول این عفو قرار نگرفتند، برخی از آیات است: سامری و آثار او از بین رفتند، لذا خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید «لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا»^۱ در سوره طه هم این داستان آمده، آن گوساله حتماً باید سوزانده می‌شد. بعد راجع به خود سامری در همین آیه می‌فرماید: «قَالَ فَادْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ»، آنجا اشاره به کیفر سامری دارد؛ یا صریح‌تر و روشن‌تر از اینها می‌گوید: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَذِلَّةٌ»^۲، آنهایی که اتخاذ العجل کردند، غضب خداوند و ذلت و خواری به اینها خواهد رسید؛ همه بنی اسرائیل گوساله را به عنوان معبود و اله قرار دادند، اما آنهایی که محور و سردمدار و صحنه‌گردان قضیه بودند، آنها قطعاً به خواری و ذلت دچار می‌شوند، هر چند این به نحوی خود مردم را دربرگرفت. بنابراین سامری و کسانی که به نوعی در این ماجرا دخیل بودند، به جهت اینکه باعث و بانی این انحراف و ظلم بودند، مورد عفو قرار نگرفتند و همینطور در مورد سایر ظالمان؛ اما بقیه مورد چرا؛ اینجا می‌فرماید «ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ».

مطلب دوم

یک نکته‌ای اینجا هست و آن اینکه اگر توده‌های مردم مشمول عفو قرار گرفتند (سامری و صحنه‌گردانان به جای خود و اینها عفو نشدند) پس چرا در آیه بعدی مسأله کیفر آنها مطرح شده است؟ یعنی خداوند تبارک و تعالی در آیه ۵۳ می‌فرماید: شما به کشتن یکدیگر مشغول خواهید شد و این عذاب خداست. چطور اینها با هم قابل جمع است؟ اینجا ممکن است بگوییم عفو سر جای خود محفوظ است، عفو محقق شده و می‌شود، لکن یک مقدمات و شرایطی دارد و یک کیفرهایی دارد که اگر آن کیفرها هم محقق شود، عفو و پذیرش توبه به دنبالش خواهد آمد. پس به صورت کلی خداوند بنی اسرائیل را عفو کرد و بخشید؛ اما اینکه این بخشش بدون هیچ جریمه و بدون هیچ مجازاتی صورت بگیرد، از این آیه استفاده نمی‌شود. همین الان هم ممکن است یک کسی جرمی را مرتکب شود و مورد بخشش هم قرار بگیرد، اما چه زمانی بخشیده شود و آیا مطلق بخشیده شود یا با تحمل برخی از مجازات‌هایی که در حد جرم او نبودند؛ مثلاً می‌گویند مورد عفو و بخشش قرار گرفت و زندان او از این مقدار، به این مقدار تخفیف پیدا کرد؛ این هم یک نوعی عفو است. پس منافاتی ندارد که اینجا بگوید «ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ». اگر خداوند می‌خواست شما را مطابق با این جرمی که انجام دادید مجازات کند، باید عذاب مهلک نازل می‌شد و همه از بین می‌رفتید؛ اما خداوند تخفیف داد و

۱. سوره طه، آیه ۹۷.

۲. سوره اعراف، آیه ۱۵۲.

شما را عذاب آنچنانی نکرد؛ اما این بدین معنا نیست که هیچ مجازات و جریمه‌ای هم در کار نبوده است. تازه این کار شما بالاخره دامن‌گیر خودتان شده و آثار وضعی آن در میان خودتان و با خسارت به خودتان آشکار شده است.

بحث جلسه آینده

بخش پنجم و ادامه نکات این بخش را در جلسه آینده بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»